پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره(سی وپنجم) دوشنبه ۲۰ عقرب ۱۳۴۷ ه‍ ۱۱نومبر ۱۹۶۸

داکتوبر ستر سوسیالستی انقلاب

دیو پنځوسم تلین په مناسبت

د اکتوبر ستر سو سیا لستی انقلاب ددی پیړی ددیری ستر ی حادثی له پنځو سم تلین نه یو کال تیرشو . اوس شوروی خلك دسترو بریو په شرائطو کښی داکتوبر د سوسیا لستی سترانقلاب یوپنځوسم کال لمانځی او د لو مړنی مترقی او مرفه ټولنی د مادی او فنی بنسټ دجوړ ولو پر لوری وړاندی ځی .

یو پنځو س کاله د مخه د ۱۹۱۷ په اکتوبر کښی د روسیی پرولتاریا دخپل کمو نست (بلشو یك) گوند او د هغه په سرکی د لنین تر لار ښوونی لاندی تاریخی جهانی بری ته ورسید او د خلکو دکر کی وړ فیوډالی اوسرمایه داری استثمار-گراو ستمگر نظام یی له منځه یووړ او شوروی دولت یی دځمکی په شپږمه برخه کښی بر قرار کړ او د- لومړی ځل لپاره په تاریخ سوسیالستی هیواد مینځ ته راغی او له سر مایه داری نه یی سو سیا لیزم ته دبشری ټولنی تیر یدل شروع کړل .

د اکتوبر دستر انقلاب بری په نړی باندی د امپر یا لیزم بی رقیبه یکه تازی پای ته ورسو له او دآزادی او ملی استقلال په لاره کښی یی د- ډیر امکانات هست کړل. دسوسیالیزم بری په شوروی اتحاد کښی چه د جوړیدو نقشه یی لنین په دا هیا نه توگه ترسیم کړه ، ورو سته پاتی روسیه په یوه لوی صنعتی هیواد، د- علم او فن او انجنیری په یو لومړنی هیواد بدله کړه ، او دی چاری په ستره وطنی جگړه کښی په هتلری آلمان باندی د شوروی اتحاد بری تأمین کړ او په اروپا اوآسیا کی د- جهانی سوسیا لستی سیستم موجب او دکار گری جهانی نهضت او د ملی آزادی بخشو نکی ضد امپر یالستی ترستم لاندی ملتونو دمبارزی لپاره نهضت لپاره کلك سنگر شو .

د اکتوبر دستر سو سیا لستی انقلاب او زموږ دآزادو اوقهر مانو خلکو دوسله ایز قیام متقابل تاثیر د آزادی او استقلال لپاره یو تاریخی واقعیت دی. دواړه گاونډی هیوادونه لومړنی هیوا دو نه وو چه د یوبل ځوان،ملی‌او مترقی دولتونه یی په رسمیت وپیژندل او د افغانستان او شوروی اتحاد دخلکو تر منځ دوستانه مناسبات مینځ ته راغلی‌دی.

شوروی اتحاد حتی پخوا تر دی چه په افغا نستان کښی د استقلال غوښتو نکی مبارزه شروع شی ، (٤مخ)

ببرك كارمل

مسایل جنبش محصلان

کشور ما

جنبش‌های موجود محصلان کشور ایجاب طرح جدی‌مسایلی‌رامینماید‌که‌حل نظری وعملی آنها بخاطر اتحاد وهمبستگی محصلان و برای رشد بعدی جنبش ضرورت حتمی پیدا کرده است . تجربه نشان میدهد که محصلان افغانستان باوجود ماهیت طبقاتی غیر کارگری و غیر دهقانی خویش‌داری خصوصیات پیکارجوئی و تمایلات ضدامپریالیستی ودموکراتیک می‌باشند. این خصوصیات محصلان (اگرچه آنها اکثراً از طبقهٔ مالك و بورژوا ، مرفه‌الحال ومتوسط بیرون می‌آیند) محصول کشورهای نیمه مستعمره و نیمه فئودالی بشمار میرود. بهمین جهت است که‌دراکثر کشور های کم رشد ، منجمله کشورما، قشر محصلان باوجود کوچکی آن نقش قابل توجهی را درمبارزات خلق ایفا می نمایند وحتی درمرحلهٔ معینی‌از مبارزه در صف اول جنبشها ی ملی گام مینهند .

متعلمان ومحصلان افغانی ازهمان‌بدو پیدایش خود تاکنون درمبارزات خلقهای کشور ما همیشه درصفوف نیروهای‌ملی ومترقی علیه استبداد، ارتجاع ، استعمار مبارزه کرده و سنتهای قهرمانانه وافتخار آمیزی را ازخود بیادگار گذاشته اند ، ازاینجاست که‌نباید به‌نقش محصلان‌در جنبش کم‌بها داده شود .

تجربیات گذشته مبین این حقیقت‌دردناك است که هیأت حاکمه افغانستان ، بخصوص جناح‌راست ارتجاعی آن ، بعضی‌وقت از یکسو با شیوهٔ بیرحمانه‌ئی‌در برابر جوانان و محصلان کشور برخورد کرده‌اند واز سوی دیگر به‌وسیلهٔ سلاح تحریك وتفتین ، نفاق‌افگنی واخلال گری درمیان صفوف محصلان‌باعث‌تضعیف اتحادوهمبستگی جنبش گردیده اند . ازاینجاست‌که‌برای خنثی ساختن این سلاحهای استبدادی، ارتجاعی واستعماری‌باید‌محصلان آگاه‌وطنپرست افغانستان‌درباره‌جدی‌برخوردکنندو‌بخاطر پیروزی در جنبش هرچه زودتر واصولی تر وبهتر به‌حل مسایل زیرین که جنبش محصلان با آنها روبروست و ماباختصار بیان‌میداریم ، بپردازندوبه پراگندگی و تشتت درمیان خود ودر جنبش‌خاتمه دهند واز تجارب تلخ و شیرین گذشته درس‌بگیرند .

اتحاد وهمبستگی :

پرواضح است که‌در هرجنبش‌و نهضتی عنصر اتحاد و همبستگی‌شرط عمده وضامن کامیابی است.

تجارب چند سال اخیر کشور نشان میدهد که وقتی محصلان کشور در فعالیت‌های صنفی و سیاسی متحد بوده اند،جنبش گام‌به گام به پیش رفته وهنگامی‌که نفاق ، بی اعتمادی وفتنه‌انگیزی درصفوف محصلان رخنه کرده ، جنبش اعم ازاینکه به‌ شکل اعتصاب ویا تظاهر ومیتنگ بوده، بشکست مواجه شده‌و ارتجاع به حمله متقابل دست زده است . بنابراین حقیقت تلخ وناگوار است که از همه زودتر و مهمتر مسألهٔ اتحاد محصلان با جدیت و قاطعیت تمام مطرح‌بحث قرار میگیرد. معلوم است که تنها دادن شعار اتحاد کافی نیست ،باید در جستجوی راهها ووسایل نیل به اتحاد بود و برای اتحاد نیز مبارزه کرد .

بعقیدهٔ ما عمده ترین و ضروری‌ترین وسیلهٔ اتحاد در شرایط کنونی تشکیل سازمان دموکراتیك‌محصلان (اتحادیهٔ محصلان) است .

اتحادیهٔ محصلان :

باید اذعان کرد که مسأله اتحاد و همبستگی محصلان و تشکیل اتحادیه محصلان با مشکلات‌زیادی مواجه است. این مشکلات بیشتر از ترکیب قشری و طبقاتی‌گوناگون محصلان و نظریات سیاسی ومسلکی متفاوت آنان سر چشمه میگیرد . محصلان آگاه ووطنپرست کشور چندین مرتبه سعی کردند تا اتحادیهٔ محصلان پوهنتون کابل را تاسیس کنند . ولی بنابر اختلافات سیاسی وطرحهای افراطی مسایل سیاسی درمرامنامه واساسنامه اتحادیهٔ مواجه به‌شکست گردیده‌اند. از این جاست که عملیهٔ نیل به اتحاد و تاسیس اتحادیه تاکنون مغلق ودشوار بوده و به مشکلات مواجه می‌باشد.

لذا ضرورت و مصالح جنبش حکم مینماید که برای رفع این مشکلات محصلان کشور برای نیل به ایجاد اتحادوتشکیل اتحادیه‌خویش به‌نکات زیرین توجه نمایند .

- برای رسیدن به اتحاد اولتراز همه واقع بینی ، برخورد علمی و منطقی به مسایل ، متانت، شکیب (ص۲)

زنده‌باد اتحاد وهمبستگی

محصلان کشور

اعتصابات‌وتظاهرات‌محصلان‌پوهنتون‌کابل‌ادامه‌دارد

یك صحنه از تظاهرات هرات

از هفتهٔ گذشته تا کنون که این‌خبر را بچاپ می‌سپاریم ،اعتصابات‌و تظاهرات پر شورو با شکوه محصلان پوهنتون، توام بامیتنگها و بیانیه های آموزنده و علمی‌با اتحاد و همبستگی بی سابقهٔ ، با شتراك سایر قشر های مردم ،علیه قوانین پوهنتونها و معارف‌ادامه داشت . تظاهرات در انتهای نظم‌ودسپلین وهمبستگی، که‌نمونه‌ئی‌ازرشد وپختگی سیاسی واجتماعی،محصلان‌وجوانان‌افغان‌را نشان‌میدهد، صورت می گیرد .

افکار عامه مردم افغانستان، قانونیت تظاهرات محصلان پوهنتون‌را تائید می نماید .

-۲-

نگاهی به پلانهای اقتصادی افغانستان

واصول پلانگذاری علمی

برطبق این دعای بی‌اساس‌که ساختمان «زیربنای» جامعه افغانستان به پایهٔ تکمیل رسیده است و اکنون باید سرمایه‌گذاری ها (بیشتر به اتکای سرمایه گذاری‌های خصوصی)متوجه «پروژه های سریع‌الثمر اقتصادی » گردد ، در پلان سوم در نظر گرفته نشده تا از امکانات بالقوه جدیدیکه باتطبیق دو پلان گذشته پدید آمده است، برای رشد سریعتر اقتصاد و تقویت بیشتر ساختمان بنیانی‌جامعه استفادهٔ صحیح بعمل آید .

تبلیغات دامنه داری در بارهٔ‌اهمیت این پلان برای رشد اقتصادی‌کشور و بهبود رفاه عمومی هنگام طرح آن بکار افتاد، ولی اکنون که در نیمهٔ دوم سال دوم «اجرای» این « پلان » قرارداریم کدام «بهبودی» بملاحظه نرسیده است .

بدینجهت از ابتدای امر ، این پلان بنابر سطحی بودن آن ، مورد انتقاد و اعتراض نیروها و عناصر دموکراتیك و ملی و بخصوص نیروی ترقیخواه دموکراتیك خلق‌افغانستان و فراکسیون پارلمانی آن قرار گرفت و تعدیل آن را خواستار شد. تااینکه حکومت مجبور گردید آنرا مورد «تجدید نظر» قرار دهد که نتیجه هنوز معلوم نیست . (پلان پنجسالهٔ سوم ، بخصوص منابع‌مالی آن در مقالهٔ « یك نظر اجمالی بر منابع مالی‌پلان سوم‌کشور » منتشرهٔ درشماره های چهارم و پنجم پرچم علماً کرتیك شده است ، بآن‌مراجعه فرمایند) .

— مشخصهٔ عمدهٔ پلانگذاری است که باید تناسبات لازم ومعینی بین سکتور های مختلف اقتصاد ملی تأمین گردد و هماهنگی ممکن بین تولید و مصرف ایجاد شود ، امادر طرح پلان پنجسالهٔ سوم مخصوصاً این پرنسیپ اساسی در نظر گرفته نشده است . مثلا یکی از نتایج عدم «منظوری» پروژه های بزرگ ساختمانی در پلان سوم اضافه‌تولید سمنت در کشور میباشد . اکنون دو فابریکه سمنت مجموعاً بظرفیت تولیدی ۱۶۰ هزار تن سمنت درسال پس از تکمیل پروژه های بزرگ پلان‌دوم‌قادر بفروش‌نیمه‌ئی ازسمنت تولیدی خود نمیباشند و یکی آن از مدتی باینطرف تعطیل گردیده است، علی هذا لقیاس .

— پلانگذاری باید شرایط مساعدی‌رابرای‌رشد نیروهای مولده بمقیاس سر تا سر کشور و استفادهٔ معقول و کامل از قوای انسانی‌در‌تمام ساحه های اجتماعی و اقتصادی ، ایجاد نماید . در حالیکه در کشور ما صدها هزار کارگر مستعد و آماده بکار، بخصوص درحدود هشتادهزار کارگر ماهر و نیمه ماهر در ده ها رشته مختلف و مغلق تولیدی و ساختمانی، پس‌ازتکمیل پروژه های بزرگ ساختمانی پلان دوم ، اکنون لشکر بیکاران را تشکیل میدهند ، بلاتکلیفندو روزبروز بر تعداد آنها افزوده میگردد‌که این‌بیکاری‌نمایندگی ازسطح پائین تولید ، ضعف وکندی رشد اقتصادی کشور مینماید .

— پلانگذاری وظایف مشخصی را برای رشد اقتصاد ملی در برابر جامعه قرار میدهد ، از قبیل افزایش سطح تولیدات داخلی ، اعم‌از زراعتی وصنعتی ، حمایه آن در برابر اموال خارجی وتنظیم امور تجارت داخلی وخارجی وغیره .

به همگان معلوم است که تعقیب سیاست غلط تجارتی درهای باز ، عدم حمایه دولتی از صنایع داخلی ، فرار اسعار ، ترویج‌روزافزون‌قاچاق، خیانتها و چپاولگری های ده‌ها نمایندگی انحصارات غارتگر امپریالیستی وصدها تاجر خارجی وتجار داخلی دلال امپریالیزم (کمپرادور)، موجودیت دسایس و سوء استفاده‌های گوناگون در صادرات اموال داخلی... وغیره همه عواملیست که در برابر رشد اقتصادی کشورموانع بزرگی میباشند .

— درپلانگذاری آگاهانه ، تنظیم تولید بشکل تخیلی صورت گرفته نمیتواند . مثلا ما نمیتوانیم‌فابریکات رابدون تدارك مواد خام احداث‌نمائیم ویادر پلان سالانه بسادگی رقمی را بگنجانیم ، مانند ده مرتبه افزایش در تولید پاپوش درصورتیکه‌امکانات (ص۳)

دپاکستان «دجنگ» دور خپانی دغلطو

شایعاتو تردید

له پیښور نه اطلاع را غلی ده‌چه دپاکستان د «جنگ» اخبار دچهارشنبه دورځی داکتوبر ددیرشمی نیټی په گڼه کی داسی لیکلی دی‌چه: «په افغانستان کی دخان عبدالغفار خان داعتراض وړ فعالیتونو په مقابل کی سختی مظاهری شوی دی ... مظاهره کونکو د افغانستان له حکومت نه غوښتنی دی چه خان عبدالغفار له افغانستان نه ژر تر ژره وباسی... دافغانستان خلك د پښتونستان له مسألی سره علاقه نلری.. دافغانستان‌دووجریدو«پرچم» او «افغان ملت» په خپلو خپرونوکی دخان عبدالغفار خان په لمسونکو فعالیتونو باندی سخت انتقاد کړی دی او ...دغوجریدوله حکومت څخه غوښتنی کړیدی‌چه‌خان‌عبدالغفارخان په فوری ډول له افغانستان نه وباسی... »

پرچم «دجنگ»دنماینده‌دغه‌طفلانه اوبی شرمانه دروغ په کلکه سره ردوی . په افغانستان کی د خان عبدالغفار خان په‌مقابل کی‌هیڅیری، هیڅ ډول مظاهره نه‌ده شوی. د افغانستان خلك دپښتونستان دملی مشر وجود ته‌په خپل هیواد کی په درنه سترگه گوری او لمانځنه ئی کوی . دافغانستان ټول مترقی او وطن پرست خلك د پښتونستان موضوع یوه عادلانه‌او دحق تعیین سرنوشت پراساس مسأله گڼی ،چه بایدپښتونستان دخلکو له غوښتنی سره سم حل‌شی. پرچم په‌خپلو بیلو بیلو گڼو دپښتونستان‌دحق دمطالبی ټینگ ملا تړ کړی‌او کوی ئی.دپرچم ملگری‌به اولسی‌جرگه کی‌اوله‌اولسی جرگی نه‌دباندی دپښتونستان دپاره مبارزه دخپلی ملی‌اوبین‌المللی‌وظیفی جزء گڼی او دپاکستان دتبلیغاتی منابعودغه له‌حقیقت نه‌لری پروپاگند سخت غندی او پدغی وسیلی خپله کلکه خواشینی څرگندوی.

پرچم

دافغانستان دخلك دموكراتيك افكاروخپرونكی

۲۰ عقرب ۱۳۴۷

اعتصاب متعلمان لیسه غازی

قراریکه اطلاع گرفته ایم ،متعلمان لیسه غازی ، علیه مدیر لیسه مذکور دست به اعتصاب زده اند .

گفته میشود که موضوع بر سر نفاق افگنی و پخش افکار ارتجاعی اختلاس چوب ، ذغال سنگ وچوکی های کهنه وشکسته واستخدام چپراسی‌های لیسه به‌منزل شخصی‌و بکار های خصوصی می باشد .

متعلمان اظهار میدارند که وجدان‌متعلمی ما‌را این افکار ارتجاعی و اعمال فاسد کننده تکان داده وبایددست کسانیکه باعث فساد روحی و تربیتی ما میگردند و در برابر منافع ملی کشور ما قرار می گیرند، از سر ما کوتاه گردد .

لاره

د ځان ځانیو نه څه نه جوړیږی
راځی‌چه یو کړو دا جلا کورونه
اوس د وینا سره عمل دی‌په کار
په تش‌گفتار نشول دوا دردونه

ملگرو گوری‌ء استبداد‌څه‌کوی!
ستره‌وباده خو دوی مرگونه
زموږ د خلکو په خولو اوو وینو
را پورته‌کیږی د ظالم قصرونه

لاره یوه ده د خلاصون‌ملگرو
چه سره‌یو شی دا خواره‌قومونه
بیا د بیوزلو د نجات‌لپاره
ټول‌شی، قربان کړی یو تر بل سرونه
راشی چه یوکړو لیونی ملگری
راشی کړی کړو داخواره لاسونه

م ـ سنگر

م.ا. خیبر

قطع بمباران ویتنام

پیروزی جنگ عادلانه خلق ویتنام

بالاخره ایالات‌متحدهٔ امریکا قبول کرد که بعداز سه سال‌و‌نه‌ماه دربرابر ارادهٔ‌نشکستنی وخلل ناپذیر خلق قهرمان ویتنام سر تسلیم فرود آورد. بمباران هوایی ودیگر عملیات‌نظامی خود را از خشکه و بحرعلیه جمهوری دموکراتیك ویتنام قطع نماید . همچنان امریکا موافقه‌نموده که نمایندگان‌جبهه آزادی‌ملی‌ویتنام‌جنوبی و رژیم سیگون‌نیزدرمذاکرات صلح پاریس اشتراك ورزند .این‌اقدام که .جنگ‌ویتنام ومذاکرات‌صلح پاریس را بمرحلهٔ جدیدی واردمی‌نماید ،موفقیت بزرگی برای مرام صلح‌وپیروزی عظیم خلق و ویتنام‌ونیروهای صلحدوست وترقی خواه جهان محسوب می گردد ، زمینه‌مساعدی را برای حل صلحجویانه مساله ویتنام تهیه می نماید .

قطع‌بمباران ودیگر فعالیت های جنگی علیه ویتنام شمالی از یکطرف موجبات خوشی علاقمندان صلح و دوستان واقعی مردم‌ویتنام گردیده است واز جانب دیگر نظر به‌سوابق ذهنی ومثالهای عینی‌که‌مردم جهان‌از مانور های سیاسی امپریالیزم دارند، باعث‌تبصره های زیاد وگوناگونی‌در محافل و کشورهای مختلف‌اجهان نیز می باشد. عده‌ئی ازمحافل وکشور ها باین عقیده اند که‌قطع بمباران‌ویتنام در آستانهٔ انتخابات ریاست جمهوری چز یك عمل موقت وتاکتیکی بغرض جلب وجذب آراء مردم امریکا، که‌از جنگ ویتنام به ستوه آمده اندوفریب‌افکار عامهٔ‌جهانیان‌چیزدیگری‌نیست.آنها می گویند که‌ادارهٔ‌واشنگتن چندین بار مانور سیاسی نموده مردم را به‌خاتمه جنگ‌ویتنام امیدوارساخته است، اما بعداز سپری شدهٔ‌مدت کوتاهی نه تنها امیدواری مردم م به یاس ونا امیدی مبدل گردیده، بلکه در پس پرده تبلیغات محدودساختن جنگ همواره دامنهٔ فعالیت های نظامی خود را وسعت داده است. هر چه باشد انکشافات بعدی ماهیت امر را روشن خواهد کرد واین اقدام امریکا یکبار دیگر نیت محافل حاکمه آنکشور را درمسألهٔ صلح وامنیت جهان واحترام به حقوق، استقلال وحاکمیت ملی دگر کشورها در معرض‌آزمایش قرار خواهد داد .

ولی ،اگر وضع وعواملی که‌ایالات متحده امریکا در تحت آن باین‌عمل مبادرت ورزیده بدقت مطالعه گردد(اعتراض شدید افکارعامه ، انزجار روزافزون مردم جهان وامریکا علیه جنگ ظالمانه ویتنام، تجرید سیاسی واخلاقی، بدنامی، افتضاح وبدبینی که از رهگذر پیشبرد این جنگ پلید عاید امریکا شده، هکذا بدحالی اقتصادی وبار گران مالیات روزافزونیکه برمردم امریکا نسبت تکافوی مصارف کمر شکن نظامی‌جنگ‌ویتنام تحمیل می گردد، تلفات سنگین مالی وجانی و شکست های پیهم نظامی وسیاسی که‌در عرصه های جنگ وسیاست نصیب ایالات متحده گردیده ومی گردد وفوق‌همه شکست ناپذیری مقاومت قهرمانانه خلق ویتنام...) همه دلالت بر آن‌می‌نماید که راهیکه حزب بر سر اقتدار امریکا در آن گام نهاده بازگشت ندارد .

خواستهای عادلانهٔ خلق ویتنام بسیار ساده و روشن‌است. مردم ویتنام می‌خواهند طبق‌معاهدهٔ ۱۹۵٤ ژنیو تمام نیرو های خارجی از ویتنام جنوبی خارج گردد،زمینه برای وحدت مجدد ویتنام مساعد شودوبمردم ویتنام فرصت داده شود که سرنوشت آینده خود را بدون مداخله دیگران طبق منافع خلق‌ویتنام‌تعیین نمایند ،بی‌طرفی، استقلال ملی و تمامیت ارضی ویتنام احترام گذارده شود. جبهه‌آزادی‌ملی ویتنام جنوبی که علی‌رغم‌موجودیت نیم‌ملیون عسکر مسلح ومجهزامریکا در ویتنام جنوبی و صدها هزار عسکررژیم سیگون ودیگر متحدین امریکاباز هم بر ٤ره حصهٔ اراضی ونفوس ویتنام حکومت می نماید بحیث نماینده حقیقی وواقعی مردم ویتنام جنوبی برسمیت شناخته شود .

خواستهای فوق حق‌طبیعی هرملت آزاد است وهرنوع تجاوز بر آن تجاوز صریح بر اعلامیهٔ حقوق بشر ،منشور ملل‌متحد وموادو حقوق بین‌المللی محسوب می گردد .در آنصورت ملت حق و حتی وظیفه خواهدداشت‌که بااستفاده از تمام امکانات ووسایل وکمك دوستان خود در راه این خواست عادلانه وانسانی خود مبارزه‌نماید ، وعواقب وخیم آن متوجه ایالات متحده امریکاخواهد بود.

اکنون که نوبت حکمرانی به جمهوریخواهان رسید و«خر» دموکراتها در پر مسؤولیت ترین موقع زمام امور امریکا را به«فیل» جمهوری خواهان تسلیم‌می دهد ، دیده‌شود که زمامداران فعلی‌امریکا الی زمان تسلیم کار به زمامداران جدید (۳۰ برج جدی) گامهای بعدی را نیز در راه استقرار صلح در سر تا سر ویتنام برخواهدداشت، یا اینکه مسوولیت اقدامات بعدی‌را به زمامداران منتخب خواهد گذاشت ؟

آیا حکومت‌جدیددر صورت‌بمیراث بردن این پرابلم ، راه سلف‌خود را در پیش خواهد گرفت یا اینکه راه عقل سلیم واحترام به افکار- عامه جهان واستقرار مجدد صلح در ویتنام را تعقیب خواهد کرد .

هر گاه حکومت جدید امریکا به مسؤولیت خطیریکه از ناحیه جنگ ویتنام متوجه آنست ، توجه نکند وگام اولیرا که برداشته شده تا سرحد اعادهٔ صلح کامل واخراج قوای امریکا از ویتنام وگذاشتن ویتنام‌بمردم ویتنام تعقیب نه نماید، بادیرا که دیموکراتها در وقت زمامداری‌خویش‌کشت نموده، توفان آنرا جمهوری خواهان درو خواهد کرد .

شهر پرافتخار هرات نیز

جنبش سه عقرب را تجلیل نمود !

اطلاعی میرساند که تظاهرات باشکوهی بمناسبت جنبش سه عقرب در شهر هرات ؛ در این‌شهر پرافتخار‌فرهنگ‌باستانی‌افغانستان، این کانون تمدن کهن و با عظمت تاریخی کشور ما صورت گرفت.

تظاهرات خیابانی ساعت ۸ صبح از پارك شهرنو هرات باشتراك هزاران نفر از کارگران ، دهقانان پیشه‌وران ، شاگردان وروشنفکران وطنپرست وشهریان هرات آغاز گردید . تظاهرات توام با میتنگها و ایراد بیانیه های پر شور و هیجان انگیز درجاده‌ها وچهار راهیها وشعار های :

مرده باد ارتجاع، استبداد، استعمار وامپریالیزم! نابود باد فیودالیزم! پیروز باد خاطره تابناك شهیدان ۳ عقرب ! ساعت یك ونیم بعد از ظهر خاتمه یافت.

اتحاد و همبستگی اشتراك کنندگان درتظاهر، مانندیگر ولایات، موجب تقدیر وستایش همگان قرار گرفت. شعارهای استوار باد اتحاد وهمبستگی از هر طرف بهٔ گوش میرسید.

از (ص ۳)

نگاهی به پلانهای ...

است که زمینه برای تراکم سرمایه وجود ندارد . یا تمویل بعضی پروژه های شامل پلان از طریق‌منابع داخلی مالی پیشبینی شده ، حالانکه نظام مالیاتی طوری تنظیم نگردیده است که بتواند آنرا تامین نماید ... وغیره .

— توازن معقول در تعیین محل تمرکز نیرو های مولده ، توزیع مواد ، کار ومنابع مالی در محلات و مناطق مختلف‌اقتصادی امری‌لازمی درپلانگذاری میباشد ، اما در پلانهای اقتصادی افغانستان ، آنطوریکه‌لازم است این نکته مراعات نگردیده . در میان مناطق مختلف افغانستان‌از نظر سویه انکشاف اقتصادی ، سطح زندگی ، سطح رشد نیرو های مولده وغیره تفاوتهای بزرگی موجود است .

— در امر پلانگذاری احصائیه نقش عمده و اساسی دارد . بدیهی است که بدون یکمقدار حقایق وارقام نمیتوان پلانهای کاملا عملی راتنظیم کرد ، اما در افغانستان ادارات‌دولتی و تشبثات خصوصی بآنچه تاکنون کمترین اهمیت قایل گردیده اند احصائیه میباشد . اصلا اعداد و ارقام محدودی که جمع آوری‌میگردد وبحیث احصائیه ها پذیرفته ونشر میگردد ، فیصدی بیشتر آن واقعیت عینی ندارد.

— شرط ضروری‌اجرای‌موفقیت‌آمیز پلانهای رشد اقتصادیست که از منابع مالی و مواد ، استفادهٔ اقتصادی صورت گرفته وپرنسیپ‌های اساسی بررسی‌وکنترول‌قیمت‌های تمام شد ، محاسبه تمام شد وغیره حین اجرای پلان از طرف مقامات مربوط مورد عمل قرار گیرد. اکنون به همه کس معلوم است که از منابع مالی ، مواد و کار پروژه‌های ساختمانی شامل پلان در افغانستان چه سوء استفاده های بزرگی بعمل‌آمده ، اماموردبررسی وهیچگونه باز پرسی قرار نگرفته است .

درینجا هدف ماشمارش غارتگریها ، اختلاسها و سوء استفاده ها از بودجه دولت (کیسه ملت) نیست ، چه‌اینموضوعیست‌تاحدودی روشن ودر نشرات پرچم و دیگر نشرات گوشه‌هائی از آن منعکس شده است . درین مقاله کوشش میشود آن جوانب پلانگذاری علمی‌که تاکنون نتوانسته است انعکاس درست و علمی در مطبوعات واذهان پیدا نماید ، نشان داده شود .

بخش دوم این مقاله (اصول پلانگذاری علمی) درشمارهٔ آینده تقدیم میشود .

س.ع. کشتمند

(دلومړی مخ پاتی)

داکتوبر ستر سوسیالستی...

افغانستان یی دیو خپلواك هیواد په عنوان په نظر کښی نیو ، دا موضوع من جمله دبرست ـ لیتوفسك دسولی په تړون کښی چه ۱۹۱۸کال په مارچ کښی د شوروی جمهوری او آلمان ترمنځ منعقد شوی ؤو منعکسه شوه .

پدی تړون کښی داسی ماده ځای شوی وه چه د هغی په موجب دواړه خواوی متعهدی شوی چه «دایران او افغانستان سیاسی او اقتصادی استقلال او ارضی تمامیت ته‌احترام وکړی «اوبیا‌د۱۹۱۹ کال د مارچ په میاشت کښی شوروی حکومت له شوروی روسیی سره د- سولی تړون چه دلنین له خوا تنظیم شوی ؤ د یو نیك په ترځ کښی د پاریس دسولی کنفرانس‌ته واستاوه او دهغه په اوله ماده کښی ښکاره شوی وو چه : ټول دولتونه په متقابله توگه تعهد کوی چه دقهریه قوت د توسل له لاری دافغانستان دحکومت دغورځولو نه ډډه وکړی .

د ۱۹۱۹ کال د اکتوبر ۱٤ ورځ چه‌په هغی کښی ولادیمیر لنین له لومړنی افغانی هیأت سره‌کتنه وکړه دتل لپاره دافغان- شوروی روابطو په تاریخ کښی د دواړو هیوادونو ترمنځ دواقعی‌دیپلوماسی مناسباتو د برقراری د ورځی په حیث ثبت شوی ده .

ترمینځ د دیپلوماسی روابطو د برقراری، له‌لومړی ورځی‌نه‌راپدیخوا ددواړو هیوادونو مناسبات پراخ او پیاوړی شول .

د ۱۹۲۱ کال د فبرری په ۲۸ نیټه د افغانستان او شوروی اتحاد د ـ نمایندگانو له خوا یو تړون لاسلیك شو .

دا له نورو هیوادونو سره د- افغانستان لومړی متساوی الحقوقه قرار دادؤ .

لنین دیوه پیغام په ترځ کښی اعلیحضرت امان الله خان ته ولیکل: «د شوروی روسی حکومت او د- افغانستان علیه دولت په شرق کښی مشترکی گټی نری . دواړه‌هیوادونه خپل استقلال ته ارزښت ور کوی او غواړی یوبل او ټول شرقی ملتونه مستقل او آزاد ووینی .

دواړه دولتونه‌نه‌یوازی دنوروعلتو لپاره ، بلکه پدی علت هم چه د ـ افغانستان او روسیی تر مینځ داسی مسائل نشته دی چه داختلافاتو موجب شی او حتی د افغانستان او روسیی په دوستی باندی سیوری واچوی ، یوبل‌ته نیږدی‌کیږی ،ذره امپریالستی روسیه د تل لپاره محو شوه او دافغانستان دعلیه دولت شمالی گاونډی نوی شوروی روسیه ده چه دشرقی ټولوملتونوته او په لومړی وار یی دافغانستان ملت ته د افغانستان او شوروی اتحاد د دوستی او ورورولی لاس ور وغځاوه ، دلس هاوو کلونو په‌ترځ کښی ،تراوسه‌پوری دی دوستانه مناسباتو په بریالیتوب پراختیا موندلی ده .

د شوروی دولت سوله غوښتونکی او مسالمت آمیزه سیاست چه دملی آزادی غوښتونکی نهضت د ملاتړ پر مبنا ، داستقلال داحترام او د ـ حقوقو د تساوی او په تیره زموږ هیواد ته په دیارلسو ورو ستیو کلونو کښی د شوروی اتحاد د بی شرط او قیده مساعد اقتصادی او تکنیکی مرستو په ترځ کښی د امپریالیزم ځنډونه په افغانستان کښی کمزوری کړیدی او کمزوری کوی یی ، بلکه زموږ په هیواد کښی یی د ملی اقتصاد د هستولو سره مرسته وکړه او د دواړو هیوادونو د ترقی له چاری سره کومك کوی په همدی جهت او د خپلو ملی گټو په معیار ، موږ له شوروی اتحاد سره دافغانستان دگټورو مناسباتو د لا زیاتی پراختیا طرفدار وو اویو ، دا ځکه چه له شوروی اتحاد سره د مناسباتو کمزوری کول چه امپریالیستی او ارتجاعی محافل یی غوښتونکی دی ، زموږ ملی گټو ته تاوان‌رسوی ددی‌مسالی‌بی‌تعصبه‌اوسم درك او زموږ د ملی منافعو پر اساس زموږ د ویاړ جن او محبوب وطن افغانستان د آزادی ،استقلال ،ترقی او پر مختگ لپاره یو حیاتی امر بلل کیږی .

موږ د افغانستان دخلکو دموکراتیك ترقی غوښتونکی د اکتوبر د سوسیالیستی ستر انقلاب دیو پنځوسمی کالیزی په مناسبت ، دژوند په ټولو چارو کښی په مبارزه کی، دسولی اونوی مترقی نظام په جوړولو کښی د شوروی اتحاد دخلکو د لاز یاتی کامیابی آرزو کوو او ددی تاریخی ورځی په مناسبت د شوروی اتحاد قهرمانو خلکو ته مبارکی ور کوو .

ژوندی دی وی افغان ـشوروی خلکو دوستی !

از (ص۲)

تئوری علمی تکامل..

وبوجود آوردن اولاد میباشد .

منظور از ایجاد این «تئوری » دروغین توسط مالتوس تطهیر سرمایه داری و موجه جلوه دادن مصائبی است که نظام سر مایه داری بر مردم زحمتکش تحمیل مینماید .

بدینجهت «تئوری» مالتوس اکنون مورد استفادهٔ وسیع بورژوازی ارتجاعی امپریالیستی قرار گرفته است، تا بکمك آن سیاست خارجی غارتگرانه خودرا تبرئه نماید.

« تئوری» مالتوس اکنون علنا خصوصیت ضد بشری دارد . حال بر اساس این «تئوری» تنها توصیه نمیگردد که از ازدواج جلو گیری بعمل آیدویاتولید نسل محدود گردد، بلکه برین عقیده اند که برای نابود کردن زیادت نفوس از بمب اتومیك، سلاح‌باکتریولوژیك ووسایل دهشت آور دیگر کشتار دسته جمعی توده هاباید استفاده شود .

اکنون دیریست‌که علم و پراتیك «تئوری» مالتوس‌را ازریشه‌رد کرده است. مارکس درزمان‌خود نشان داد که در رژیم سر مایه داری علت فقر وگرسنگی زحمتکشان مربوط به قوانین طبیعی جمعیت نمیباشد ،بلکه ناشی از ماهیت نظام سرمایه داری واز توزیع غیر عادلانهٔ نعمات مادی درین نظام است، چه قسمت عمده ئی از‌این نعم مادی را سر مایه داران تصاحب مینمایند ، در حالیکه زحمتکشان از بدست آوردن‌ضروری ترین مایحتاج زندگی محروم اند. رشد اقتصادی موفقانه اتحاد شوروی ودیگر کشور های سوسیالستی که در آنها فقر ، گرسنگی و بیکاری همراه بانظام سرمایه داری از جامعه طرد گردیده است و زندگی انسانها روز بروز بهتر ومرفه تر میشود ، بی اساس بودن نظر مالتوس را نشان میدهد .

لهذا نه محیط جغرافیائی و نه جمعیت علت قطعی و تعیین کننده تکامل اجتماعی میباشد، بلکه علت واقعی آن شیوهٔ تولید نعم مادی است که بمطالعهٔ آن در شماره آینده می پردازیم .

از (ص۲)

مسایل جنبش ..

اینها، توضیحات بسیار کلی و مختصری بود که دربارهٔ حل مسایل جنبش محصلان و به غرض نزدیك کردن نظریات و تحقق اتحاد وبرای نیل به‌هدفهای مشترك‌محصلان‌تقدیم گردید . بعقیدهٔ ما جنبش‌محصلان افغانی که دارای سنن پر افتخار پیکاراند و همیشه در سیر تاریخ نهضت رهائی بخش کشور فعالانه شرکت داشته اند ، به‌آن درجه ئی از رشد و پختگی رسیده است که محصلان بتوانند به مسایل خویش برخورد اصولی ، پیگیر و دلیرانه کنند وبه حل منطقی آنها توفیق یابند .

درود پرشور به محصلان وطنپرست افغان که در راهٔ آزادی ودموکراسی دلیرانه مبارز می‌کنند!

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر: سلیمان لایق

دولتی مطبعه

روابط اقتصادی افغانستان

واتحاد شوروی

> ترقیخواهان «دموکراتیك خلق‌افغانستان» وظیفهٔ ملی ووطنپرستانه‌خود می دانند که کمکهای بلاقید وشرط ومساعد را نسبت به‌افغانستان که‌بامنافع ومصالح خلق ووطن‌ما وفق‌داشته باشد ودر جهت اتخاذ سیاست صلحجویانه مستقل ملی، ایجاداقتصادملی وتأمین‌استقلال‌اقتصادی وبهبود سطح زندگی ورفاه مردم کمك کند، بطور عینی‌وبرملاك‌مصالح ملی مورد مطالعه قرار داده‌واز آن استقبال و تقدیر نمایندکه اینك روابط اقتصادی افغانستان-شوروی مورد بررسی قرار می‌گیرد.
> **مآخذ مقاله حاضر:** نشرات وزارت‌پلان وسایر نشرات پخش شده درداخل کشور.

روابط اقتصادی بین افغانستان واتحاد شوروی در نخستین سالهای استقرار حکومت شوروی ودر زمان اوج گیری مبارزه ضد استعماری‌ملت افغانستان بخاطر استقلال خویش و رهائی از قید اسارت امپریالیزم انگلیس آغاز گردید. تأسیس‌وتحکیم مناسبات دوستانهٔ دوکشور، به آزادی واستقلال وطن ماکمك شایانی کرد.

امضاء اولین قرار داد دوستی بین شوروی‌وافغانستان‌بتاریخ۲۸فبروری ۱۹۲۱ واقعهٔ مهمی درروابط دوکشور بشمار میرودکه به‌تأسی ازآن‌حکومت شوروی برای اولین سفیر خود در افغانستان متحد المآلی راکه تحت نظر مستقیم ولادیمیر ایلیچ لنین تدوین شده بود، ارسال داشت. درین متحدالمآل سیاست‌مربوط به شوروی در مورد افغانستان تشریح شده است واز جمله اشعار میدارد: «سیاست ما، سیاست صلح‌وهمکاری بین تمام ملتهاست. حالیه که ملل شرق بمثابه ملل کشور های عقب افتاده ستم‌اقتصادی خارجی رابنحوی دردناك احساس میکنند، روسیه شوروی سوسیالستی دوست‌طبیعی آنهاست، سیاست مادرشرق تجاوز‌کارانه نیست. سیاست ما، سیاست صلحدوستی است ...»

سپس خطاب به سفیر شوروی مقیم‌کابل‌گفته میشود: «هدف‌اساسی فعالیت شما درکابل باید توسعه دوستی ما باافغانستان باشد. منظور از دوستی همکاری متقابل است وما براساس تمایل خود در زمینه کمك به پیشرفت وترقی کشور دوست ما افغانستان آماده ایم که درین عرصه صلح آمیز تمام کمکهائی راکه از دست ما ساخته است به آنکشور نمائیم. شمابايد خواستهاواحتیاجات افغانستان‌را بررسی کنید وتمایل دولت افغانستان را برای ما روشن سازید تابتوانیم درجریان اجرای قرار داد روسیه وافغانستان بقدر وسیع وامکان خود به رشد و ترقی آن مساعدت نمائیم ...»

در قرار داد ۱۹۲۱، درین سند تاریخی صریحاً گفته میشود که این قرار داد «بمنظور تحکیم روابط دوستانه روسیه وافغانستان وحفظ استقلال واقعی افغانستان به امضاء میرسد». واقعاً باانعقادآن دورنماهای وسیع همکاری بین دوکشور فراهم آمد. حکومت شوروی در اولین سالهای موجودیت خود، باوجوداینکه بمشکلات زیادی ناشی از جنگ‌امپریالیستی ومداخله مسلحانه خارجی وجنگهای داخلی مواجه بود، در هنگام انعقاد قرار داد متعهدگردید، به افغانستان که در وضع دشواری قرار داشت کمك اقتصادی مبذول دارد. برطبق آن امدادی به اندازهٔ یك ملیون روبل طلا (که درآنزمان کمکی قابل ملاحظه بود) به‌افغانستان واگذار گردید. لوازم وتجهیزات‌برای تمدید سیم تلفون کوشك- هرات- قندهار- کابل، وکابل- مزار شریف تحویل داده شد ودر ساختمان‌بعضی تأسیسات‌دیگری نیزکمکهائی‌صورت گرفت.

دولت شوروی باواگذاری برخی امتیازات به‌تجار افغانی موافقت‌نمود و به افغانستان اجازه دادکه اموال صادراتی خودرابلامانع وارداتحاد‌شوروی نماید. دولت‌شوروی همچنین عوارض گمرکی بر محصولات مهم صادراتی کشور مانند پوست‌قره‌قل، پوست گوسفندی وپشم را ملغی ساخت.

همچنان برای کشورما از طرف جمهوری شوروی این حق قایل‌گردید تا اموالی‌که از آنکشور وکشور های دیگر اروپائی خریداری میشد، بدون تادیهٔ هیچگونه محصول وعوارض بطور ترانزیت از طریق اتحادشوروی آزادانه حمل گردد. علاوتاً اولین ایستگاه بیسیم رادیوئی درکابل از طرف متخصصین شوروی احداث وبه خلق افغانستان هدیه گردید وعده‌ئی ازکارگران افغانی جهت ادارهٔ آن در تاشکندبسویه متخصص تربیه‌شدند. اولین کارخانه برق دیزلی با کمك اتحاد شوروی در هرات ساخته شد. متخصصین شوروی درمبارزه باآفات وامراض نباتی وبیماری های حیوانی کمك های لازمه را به کشور ماانجام دادند ودرتأسیس اولین آزمایشگاه

(ص۳)

از آثار مترقی

تئوری علمی تکامل اجتماعی

-۲-

شیوهٔ تولید بمثابه اساس مادی زندگی جامعه

موضوع عمدهٔ ماتریالیزم تاریخی عبارت از اینست‌که شیوهٔ تولید نقش تعیین کننده رادر تکامل جامعه دارد.

عمل تولید فقط میتواند باموجودیت شرایط معینی صورت گیردکه این شرایط عبارتند از محیط جغرافیائی وجمعیت، قبل از اینکه به مطالعه نقش تعیین کنندهٔ شیوه تولید درتکامل جامعه پردازیم، بهتراست که نقش این شرایط درحیات‌اجتماعی نشان داده شود.

۱- نقش محیط جغرافیائی وتوده‌های مردم در تکامل جامعه:

الف: محیط جغرافیائی وجامعه:

طبیعتی که جامعه را احاطه میکند یعنی آب وهوا، خاك، کوه ها، دریا ها، معادن، نباتات وحیوانات وغیره عبارت از محیط جغرافیائی است. محیط جغرافیائی شرط لازمی برای فعالیت تولیدی انسان میباشد، چه بدون ارتباط وتاثیر متقابل‌انسان وطبیعت هیچنوع فعالیت تولیدی نمیتواند صورت گیرد.

محیط جغرافیائی‌دو نوع تاثیر را میتواند برتکامل جامعه وارد‌آورد، یعنی شرایط مساعد طبیعی مثلاوجود معادن، جنگلات، دریا ها، اقلیم سالم وغیره به تکامل جامعه کمك مینماید در حالیکه شرایط طبیعی نا مساعد اثرات منفی در تکامل اجتماعی‌واردمیاورد. مثلاعدم‌موجودیت معادن رشد صنعتی را بطی میسازد واقلیم نا مساعد وبی اندازه خشك از رشد زراعت جلو گیری مینماید وغیره.

محیط جغرافیائی چون اهمیت بزرگی در تکامل‌اجتماعی دارد، بنا بران عده ئی از جامعه‌شناسان ارزشی بی اندازه به نقش آن قایل میگردند و برین عقیده اند که یا این محیط در مجموع خود تعیین کنندهٔ تکامل اجتماعی است ویا عناصری از آن مانند اقلیم، دریاها وغیره.

مبرهن است‌که چنین اعتقادی به عامل جغرافیائی از نظر علمی کاملا بی‌اساس میباشد، زیرابه این‌سوال جواب‌گفته نمیتواندکه تکامل‌اجتماعی تحت تاثیر چه‌عواملی صورت می‌پذیرد. همچنین اینموضوع را نیزدر نظر نمیگیرد که محیط جغرافیائی بمراتب بطی تر از حیات اجتماعی تغییر میکند. لذا این محیط نمیتواند زندگی اجتماعیرا تعیین‌کند. مثلادر اتحاد شوروی درمدت صدسال اخیر شرایط طبیعی تقریباً تغییر نکرده است، در حالیکه ظرف همین‌مدت جای نظام فئودالی را نظام سرمایه‌داری وجای سرمایه داری را نظام سوسیالستی گرفته است واکنون با موافقیت بمراحل عالیتری تکامل مینماید.

معهذا معلوم است‌که محیط جغرافیائی نقش تعیین کننده را در تکامل اجتماعی ندارد با وجود اینکه شرط لازمی حیات اجتماعی میباشد اما محیط جغرافیائی فقط می تواند تکامل جامعه را تسریع ویا کند نماید.

ب: جمعیت وجامعه:

ازآنجائیکه تولید بدون وجود انسان نمیتواند صورت بگیردو در اثر کار و زحمت انسانهاست که طبیعت مقهور گردیده و در خدمت انسان درمیآید، پس شرط ضروری دیگر حیات مادی جامعه، جمعیت میباشد. چه تعداد کمتر یا بیشتر جمعیت، رشد سریع یا بطی آن میتواند درشرایطمعینی، تکامل‌جامعه را سریع یا بطی سازد، ولی باید گفت‌که جمعیت نیز مانند محیط جغرافیائی نقش قطعی و تعیین‌کننده را در تکامل اجتماعی ندارد، مثلا پاکستان که بطور متوسط در هر کیلو متر مربع در حدود یکصد نفر جمعیت دارد از لحاظ رشد اقتصادی ازکشور امریکا که تعداد جمعیت آن بطور متوسط در هر کیلو متر مربع ۲۵ نفر میباشد، بمراتب عقب‌مانده‌تر است وتعداد جمعیت متوسط در هر کیلو متر مربع اتحاد شوروی از امریکا هم کمتر است، اما از لحاظ تکامل اقتصادی بطور روز افزونی بر امریکا سبقت میجوید.

پس میتوان چنین نتیجه گرفت که جمعیت و رشد آن تعیین کنندهٔ حیات اجتماعی نبوده و بر عکس‌خود آن مربوط به خصلت نظام اجتماعی میباشد.

نمایندگان مکتب مالتوس (مالتوزیانیزم) که‌نمونه ئی ازجامعه شناسی ارتجاعی بورژوایی است، بیان میدارد که جریان‌تکامل‌اجتماعی مربوط به رشد جمعیت میباشد. مالتوس، اقتصاددان وکشیش انگلیسی «تئوری» ئی رابوجود آورد که بر اساس آن رشد جمعیت وتولید مایحتاج زندگی تناسبی با همدیگر ندارند، بعقیدهٔ مالتوس جمعیت بمراتب سریعتر از تولید مایحتاج زندگی رشد مینماید وهمین امر است که باعث فقر، گرسنگی، بیکاری ودیگر محرومیت های زحمتکشان میشود. مالتوس راه نجات ازین محرومیتها را نیزپیشنهاد میکند و آن خود داری از ازدواج

(ص٤)

از (ص اول)

مسایل جنبش محصلان ...

و تحمل، نرمش و گذشت و فروتنی و پی‌گیری و هشیاری لازم است.

- برای نیل به‌تاسیس‌اتحادیه‌باید حدود مسایل صنفی و محصلی و مسایل سیاسی وایدئولوژیك رعایت گردد. اگر در قدم اول این نکات رعایت میشود آنوقت هم زمینهٔ‌اتحاد و هم شرط تشکیل اتحادیه محصلان آماده میگردد.

منحیث پرنسیب و ظیفه مبرم ودائمی محصلان آگاه ووطنپرست است که در راه تشکیل سازمانهای محصلان بهر شکل و اسمی که امکان آن وجود داشته باشد، حتی الوسع سعی نمایند.

استقلال سازمانهای صنفی محصلان:

برای تشکیل سازمانها (اتحادیه ها) باید این اصل جداً در نظر گرفته شود که سازمان محصلان، سازمانی است‌صنفی‌و متعلق‌به‌همه محصلان. اساساً استقلال از خصوصیات‌اصلی سازمان های صنفی است و بهیچ حزب و سازمان سیاسی‌تعلق‌ندارد. بنا براین باید درتشکیل سازمان محصلان نکات زیرین در نظرگرفته شود.

- برنامه و اساسنامه ومشی سازمان محصلان نسبت به‌حزب سیاسی تفاوت دارد،
- جلسات وکنگره‌های سازمان بصورت خاصی غیر از شکل حزبی دایر میگردد،
- هیچ حزب سیاسی حق ندارد که‌سازمان‌محصلان رابمثابه «تکیه‌گاه، نیروی‌احتیاط ونیروی‌معاون» وبرای پیشبرد سیاست خود مورد سوء استفاده قرار دهد و شعار های بخصوص سیاسی و نظرات‌ایدیالوژیك خود را بالای سازمان‌محصلان تحمیل کند. معهذا باید خاطرنشان ساخت‌که درسازمان‌محصلان گروه‌های مختلف سیاسی نه تنها کاملا حق شرکت را دارند، بلکه بمثابه عناصر آگاه در تشکیل و رشد سازمان نقش فعالی راایفا میکنند. ولی باید آنان و تمام اعضا و فعالین و مسؤولین منتخب محصلان بین هدفهای سازمانی‌و سیاسی‌وسازمان محصلان فرق قایل شوند واین فرق را در عمل صمیمانه و بادقت رعایت کنند.

رعایت دموکراسی در سازمان محصلان:

برای تشکیل سازمان باید درنظر گرفت که سازمان صنفی اساساً یك سازمان دموکراتیك می باشد. لذا ایجاب میکند که محصلان چه‌در وضع کنونی‌وچه در صورت تشکیل سازمان به‌نکات آتی عطف توجه کنند.

- تمام مقام های اجرائی، انتخابی باشد واین مقامها در کنگره‌ها به انتخاب‌کنندگان‌خود گزارش بدهند.
- رأی اکثریت‌باید رعایت شود.
- همچنان شرایطی فراهم‌گردد که اقلیت بتواند آزادانه نظر خودرا بیان کند.
- سازمان محصلان حتی الامکان باید آنچنان خط مشی و روش اقناعی را تعقیب کند و آنچنان شعاری بدهد که مورد قبول‌و پشتیبانی اکثریت عظیم تودهٔ محصلان قرار گیرد.

مسایل صنفی ومحصلی:

یکی از مهمترین و عمده ترین مسایلی که هر روز محصلان به آن روبرو می باشند، عبارت از حل مسایل صنفی محصلان است. شرکت در مبارزات صنفی محصلان بخاطر تامین شرایط بهتر تحصیل و کار و زندگی و ظیفهٔ محصلان آگاه پیشآهنگ ووطنپرست است. هستند عده‌ئی از محصلان دارای تمایلات سیاسی که از شرکت در مبارزات صنفی خود داری‌میکنند و یا شتابزدگی‌وتند خوئی، خشونت و خود ستائی و غرور نشان میدهند و کوشش میکنند که بدون درنظر گرفتن وضع فکری اکثریت‌محصلان مبارزات صنفی را بچگانه تلقی کرده وبادادن شعارهای انقلابیگرانه جریان مبارزه صنفی را به چپ‌روی وماجرا جوئی بکشانند ودر نتیجه‌به جنبش محصلان لطمه بزنند و به آسیاب ارتجاع آب بریزند.

باید خاطرنشان ساخت که مبارزه صنفی وسازمان صنفی محصلان به صورت اتحادیه ها و کلوپها و غیره وسیعترین قشر محصلان را احتوا میکند و به اکثریت‌محصلان ساده و بیعلاقه به سیاست امکان میدهد که‌در مکتب سازمان به‌اهمیت مبارزه و کار دستجمعی در راه خواستهای خود با تجربه شخصی معرفت حاصل کنند وبه تدریج در راه خواستهای عمومی سیاسی‌تمام خلق گام بردارند و شعور سیاسی آنان ارتقا یابد وبه فعالیت‌سیاسی بپردازند.

مبرم ترین و عمده ترین شعار صنفی محصلان کشورتشکیل اتحادیه محصلان است!

مسایل‌سیاسی‌وایدئولوژیك وفعالیت سیاسی وحزبی محصلان:

در دوران معاصر هیچ فردی از افراد و هیچ سازمانی از سازمانهای صنفی، اقتصادی واجتماعی وغیره از سیاست و فعالیت سیاسی‌برکنار مانده نمیتوانند. این مسأله بخصوص در کشور کم رشد ما افغانستان، که‌روشنفکران و در صف مقدم آن محصلان نقش بسیار مهم و موثری در مبارزه ضد استبداد و ضد ارتجاع و ضد استعمار و در جنبش آزاد‌یبخش ملی ودموکراتیك ضد امپریالیزم و ضد فئودالیزم داشته ودارند، کسب اهمیت‌میکند. شرکت فعال محصلان در مبارزات انتخاباتی، دراعتصابات، در میتنگها ودر تظاهرات ضد استبداد و ضد فرهنگ استعماری و در مبارزه عمومی مردم افغانستان به خاطر آزادی واستقلال و دموکراسی موجب افتخار و سرور همگان‌است. بنا براین مسأله بر سر شرکت یا عدم شرکت محصلان در سیاست و فعالیت های سیاسی که دربالا تذکر یافت نیست. مسأله بر سر حدود آنست.

لذا نکته جدی برای رشد جنبش محصلان عبارت از رسیدن باین حدود منطقی است که باید تاآن حدودی درمیان محصلان فعالیت سیاسی کرد وآنچنان شعارهای سیاسی را مطرح ساخت که از یك سو برای اکثریت قابل فهم باشد واز سوی دیگر اکثریت رابفعالیت سیاسی وادارد، متأسفانه بنا بر تحریکات غیر اصولی و نادرست گروههای سیاسی عوض اینکه محصلان آگاه در گام اول به جهت اتحاد و همبستگی و تشکیل‌اتحادیه محصلان رهنمائی شوند، بیشتر چنان شعار های سیاسی ئی رابه آنان «دستور» میدهند که‌نه‌از عهدهٔ انجام آن بر می آیند ونه اکثریت محصلان را بخود جلب کرده میتوانند.

نتیجهٔ این شیوه نادرست همان است که‌در میان محصلان پوهنتون کابل وقتاً فوقتاً، درعمل به مشاهده میرسد و باعث بد بینی، بی‌اعتمادی و نفاق درمیان محصلان میگردد و متاسفانه یك عدهٔ محدود محصلان ناآگاهانه علیه محصلان آگاه ووطنپرست وفعالین، دست به افشاگری، علنی گری و فحش گوئی میزنند و یکدیگر را تخریب مینمایند و نهضت رابدنام میسازند وارتجاع وحشی کشور رادلشاد وکارپولیس را آسان میکنند.

مبتنی براین اصل که هرگز نباید از توده ها جداشد، رمز پیروزی در کار توده‌ای وازآنجمله درمیان محصلان، پیشآهنگ بودن در جریان و جدا نشدن از آنست. اصول مبارزه حکم می‌نماید که در انتخاب شعار ها واشکال مبارزه و زمان وغیره باید شرایط عینی و ذهنی اکثریت بزرگ کتله‌ئی را که باید در مبارزه شرکت کنند، درنظر گرفت. انتخاب نابهنگام وشور و هیجانات‌بیموقع، به‌پیش کشیدن‌شکل نامناسب وپیش ازوقت‌مبارزه، زیانش بسیار بیشتر از سودش است.

بدین جهت ضرورت ایجاب می‌نماید که‌در هنگام دادن شعار های سیاسی وایدئو لوژیك (که اختلاف در ین مسایل طبیعی و بدیهی است) باید بطور عمده روی مسایلی تکیه شود که نزدیکی واتفاق نظر وجودداشته باشد. به عبارت دیگر اینکه شعار های سیاسی واتخاذ موضع سیاسی باید روی نظریات کلی و مشترك اکثریت قاطع محصلان ترتیب و تنظیم گردد.

در شرایط کنونی باید شعارهای اساسی و مبرم محصلان و جوانان کشورما، شعار های مشترك زیرین باشد.

- دفاع از آزادی، استقلال ملی و دموکراسی،
- دفاع از اصول دموکراتیك قانون اساسی و مبارزه علیه قوانین ضد آن،
- مبارزه علیه استعمار فرهنگی وارتجاعی،
- تشکیل جبههٔ واحد در جنبش محصلان و جوانان خاصتاًو جبههٔ متحد دموکراتیك و ملی ضد ارتجاع داخلی وضد امپریالیستی عموماً.

در اوضاع واحوال کنونی تأکید بالای شعارهای دیگر سیاسی و ایدئولوژیکی باعث جدائی محصلان از جنبش میگردد.

درمسایل مورد اختلاف می توان از طریق بحث دوستانه وتبادل‌نظر مشورتی، توأم با روش اقناعی و دموکراتیك و باحوصله وارائه‌دلایل علمی ومنطقی‌ومترقی، بدون‌جانبداری های‌متعصبانه‌ویکطرفه وصف‌بندیهای بچگانه، نقاط مشترك راباحفظ نقاط اختلافات سازمانی، ایدئولوژیك و سیاسی پیدا کرد و بر اساس آن در راه تحقق شعارهای فوق سعی فراوان مبذول داشت.

در خاتمه به کمال مسرت اعلام میداریم که هم اکنون اتفاق نظری و عملی که میان محصلان پوهنتون کابل علیه قانون پوهنتون ها و هم همبستگی اکثریت قاطع محصلان که‌در تجلیل خاطرهٔ جنبش سه عقرب بوجود آمده بیسابقه است. ولی متأسفانه بازهم گاهگاهی کین ونفرت و عقده های شخصی و بلند پروازی های سیاسی و ایدئولوژیك وکج‌رویها وشعار های شخصی و غرض‌آلود که خواست ارتجاع سیاه‌کشور وهوا داران امپریالیزم است، دیده میشود. به هر حال این آقایان «رهبران» خود ساز خارج از تودهٔ محصلان پوهنتون وجدا از خلقها، باید بدین نکته توجه بفرمایند که نه‌تنها مسؤولیتی در برابر تودهٔ محصلان جوان کشور و جنبش محصلان دارند، بلکه درمقابل ملت و خلق‌افغانستان نیزدارای مسؤولیت سنگینی استند وفردا روز قضاوت فرا میرسد و هرکسی که ضدجنبش و ضد آزادی و ضد اتحاد اقدام کرده باشد، محکوم قرار خواهد گرفت.

محصلان آگاه ووطنپرست!

نظم ووحدت عملی که بخصوص در روز های اخیر در نهضت اعتصابی در میتنگها ودر تظاهرات ضد قانون پوهنتون ها به‌خاطر دفاع از حقوق صنفی و آزادیهای دموکراتیك تان در بین شما بوجود آمده، امید بخش و شایان تحسین همگان‌است وهمه باین‌امید دارند که تا در آینده به خاطر شعار های عمده ومبرم و مشترك و عمومی صنفی و سیاسی تان وحدت عمل بازهم عمیق ترو همه جانبه تری در میان شما بر قرار گردد و نفاق افگنان و فتنه انگیزان و مرتجعان توفیق نیابند که اتحاد وهمبستگی شما را برهم زنند. شرط کامیابی شما اتحاد شماست!

درین مبارزه مردم با شماست و بدون شك راه پیروزی بروی شما هموار میگردد!

(ص ٤)

از (ص‌دوم)

روابط اقتصادی افغانستان...

تولید واکسن های مختلف کمك‌کردند.

اکنون از آغاز برقراری روابط‌دوستانه بین اتحاد شوروی وافغانستان، پنجاه سال میگذرد، طی اینمدت مناسبات دوستانه بین دوکشور ازبوته آزمایش زمان برآمده‌ودوستی خلقهای دو کشور جنبهٔ حیات بخشی را بخود گرفته است. بخصوص همکاری نزدیك اقتصادی‌وفنی بین کشور ما واتحاد شوروی دراواسط سالهای ۱۳۳۰ بسط وتحکیم بیشتر پیدا کرد.

ازجهتی وضع بحرانی و خیلی عقب ماندهٔ اقتصادی، تمایل ومبارزهٔ قشرهای‌مردم، هیأت حاکمه کشور را واداشت که درسیاست خودتجدید نظرهائی بعمل آورد ودر زمینه‌توسعه روابط اقتصادی بااتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالستی اقدام کندواز سوی‌دیگرآمادگی این‌کشورها وبخصوص اتحاد شوروی جهت انجام کمك های اقتصادی وتخنیکی مساعد وبدون قید وشرط سیاسی‌که برمبنای همزیستی مسالمت آمیز و اصول تساوی وعدم مداخله در امور داخلی، احترام متقابله وتوجه بمنافع هردو جانب استوار میباشد، امکانات آنرا بوجود آورد که برای امور پلانگذاری وتحقق هدفهای آن کمك های وسیع اتحاد شوروی جلب و جذب گردد. سهم کمکهای شوروی در تمویل مصارف انکشافی دو پلان گذشته وهمچنین پلان پنجساله‌سوم مقام اول وبرجسته ایرا درزمرهٔ کمکهای خارجی احراز مینماید و مساعدترین شکل کمکهای خارجی میباشد. چنانچه از جمله ۷۰ فیصد مصارف انکشافی دوپلان که‌از طریق قرضه ها وامداد های خارجی‌تمویل گردیده است، به تنهائی قرضه ها وامداد های اتحاد شوروی ۶۷ فیصد آنرا در پلان اول وبیشتر از ۶۰ فیصدرا در پلان دوم احتوا مینماید. برای پلان سوم هم اکنون مجموعاً ۲۳۰٫۵ ملیون دالر کمك وامداد آنکشور بمنظور رشد اقتصاد ملی‌ما جهت استفاده بدسترس افغانستان قرار دارد که ۱۱٤ ملیون روبل معادل ۱۲۶٫۷ ملیون دالر آن برطبق موافقتنامهٔ جدید و۱۰۳٫۸ ملیون دالر آن از ناحیه کمك های انتقالی پلان دوم به پلان سوم میباشد. این‌کمکها یا بصورت امداد های بلاعوض و بخششها ویاقرضه های طویل‌المدت با ربع قلیل (۲تا۲٫۵ فیصد) به‌افغانستان واگذار گردیده واکثراً ازمحل عاید حاصله از پروژهٔ مربوطه تادیه میگردد. شرایط قرضه ها خیلی‌سهل بوده‌ومطابق به پرنسیب ها یی است که برای قرضه های مساعد درشماره های چهارم وپنجم پرچم در مضمون «یك نظراجمالی برمنابع‌مالی پلان...» علماً طرح وفور مولبندی شده است.

درطی دوپلان پنجساله اول ودوم کشور ازطریق کمك ها وامداد های مساعد اتحاد شوروی «باوصف کار‌شکنیها، سوء استفاده‌ها، اختلاسها وسوء ادارهٔ پروژه‌ها از نظر اداری وبیروکراسی» کار های قابل ملاحظه‌ئی در زمینه آبادانی ورشد اقتصادی‌کشور، که‌بیسابقه‌میباشد، صورتگرفته است که ثمرات حقیقی آن عبارت است از صدها کیلو متر راهای اسفالت، دهها هزار هکتار اراضی آباد شده وتولید ملیونها کیلووات ساعت برق درسال. در افغانستان کار ساختمانی ۵۸ دستگاه بزرگ با همکاری «همسایه بزرگ شمالی‌ما» انجام گرفته ومیگیرد که نزدیك‌به ۳۰ موسسه آن تاحال مورد بهره برداری قرار گرفته که نقش بزرگی درزندگی مردم ایفاء مینمایند. درمیان آنها راه‌های موتررو از جمله راه های درجه یك درجهان، موسسات بزرگ صنعتی اولین رشته های جدید صنایع افغانستان وشبکه های آبیاری حایز مقام‌مهمی میباشند.

در امور راهسازی:

از آنجائیکه افغانستان یکی از کشور های معدودی است که دارای راه آهن نبوده و تمام حمل ونقل ها رویهمرفته بوسیله موتر های باری انجام میگیرد واین در شرایط فعلی یگانه وسیله با صرفه برای کشور ما میباشد، تا زمانیکه مناطق عمدهٔ کشور باجاده های موتررومدرن بهم مربوط نشوند، از یکسو احداث هیچ موسسهٔ بزرگی عملا ممکن نیست، چه ساختمان موسسات بزرگ مستلزم حمل ونقل صد ها هزار تن مصالح ووسایل گوناگون است واز سوی دیگر طرق ارتباطی به منظور ایجاد روابط نزدیك بین مردم و تسهیلات در امر تجارت داخلی و تشبثات کوچك انفرادی ضروری میباشد. در طی دو پلان پنجساله با کمکهای وسیع اقتصادی وتخنیکی اتحاد شوروی‌درین زمینه پیشرفت‌های زیادی‌حاصل گردید وازینطریق به تنهائی در حدود یکهزارو پنجصد کیلو متر سرکهای کاملا عصری اسفالت تاکنون احداث شده است‌و تکمیل میگردد، درحالیکه‌قبلا حتی‌ده کیلو متر سرك اسفالت شده مهم درسر تاسر افغانستان‌موجود نبود. درین جمله جاده های بزرگی نظیر راه‌بتونی تورغندی-هرات-قندهار، شاهراه‌کابل-پلخمری، راه‌پلخمری-شیر خان بندر واکنون جاده‌پلخمری مزار- شبرغان شامل میباشد.

ساختمان شاهراه موتر رو که از یکی از بلند ترین سلسله جبال های دنیا یعنی هندوکش میگذرد شاهکار راه سازی است و تکمیل آن اعجاب وحیرت عموم را بار آورد. این‌کار خلاق به جهان نشان داد که انسان باتکنیك‌نو در مبارزه با موانع طبیعی به چه موفقیت شگرفی میتواندنایل شود. کار گران دوران ساز افغانی وانجنیران ومتخصصین فداکار شوروی در آنجا، در ارتفاع سه هزارو پنجصد متر، در شرایطی بسیار سخت، تونلی بطول قریب ۳ کیلو متر احداث کردند که حالا عبور و مرور بدون وقفه‌وسایط نقلیه را از کابل تا شمال کشور ومنجمله شیر خا بندر (بندر قزل قلعه) مرکز مهم تجارتی‌کشور در هر موقع‌سال، تحت هر نوع شرایط جوی تأمین میکند.

شاهراه عظیم کابل - پلخمری که‌از دره‌های تنگ‌وبرف‌گیر‌سالنگ، با شگافتن دل یکی از قلل جبال شامخ هندوکش سرکش و مغرور میگذرد، تحول بزرگی را در حیات اقتصادی و اجتماعی‌خلقهای دوطرف هندو کش‌که خواست دیرینه وجزء رویا های آنان و تمام جامعهٔ افغانستان‌بود، بوجودآورد. این‌جاده که در سال ۱۳٤۵ مورد استفاده قرار گرفت، فاصله بین کابل - پلخمری رابه اندازهٔ بیشتر از ۲۰۰ کیلو متر کوتاه‌تر ساخت وموجب آن گردید که هشت ساعت از وقت مسافرت بین این دو نقطه کاسته شود. البته صرفه جوئی در استهلاك وسائل نقلیه و مصرف پترول وروغنیات نیز قابل محاسبه میباشد ورقم بزرگ عواید را در طول چند سال ارائه خواهد کرد. اکنون روزانه بیشتراز هزار وسیله نقلیه در تمام دوران سال ازین شاهراه بینظیر عبور مینماید که در مدت کوتاهی- کمتر از هشت‌سال- تمام‌مصارف‌ساختمانی‌خودرا، باوصف اینکه مبالغ زیادی از آن مورد حیف ومیل بیرو کراتهای فاسد و رشوه ستان داخلی قرار گرفته است، بر آورده میسازد.

پایان ساختمان جادهٔ کانکریتی تورغندی -هرات -قندهار واقعهٔ مهمی در حیات اقتصادی کشور ما بشمار میرود وساختمان موفقیت آمیز آن حاکی از یك تجربهٔ مثبت دیگر روابط حسن همجواری ونمونهٔ دیگری از کمکهای بیغرضانه اتحاد شوروی نسبت به افغانستان میباشد، این راه بتونی بطول قریب ۷۰۰ کیلو متر که از میان کوه ها و دشتهای ناهموار میگذرد، باوصف عدم وجود هرگونه معلومات مقدماتی در بارهٔ قشر زمین، جریان رود ها و شرایط جوی این منطقهٔ افغانستان، ازشروع ساختمان‌بتکار متخصصین شوروی ومهارت تکنیکی کار گران افغانی‌رامورد آزمایش جدی قرارداد.

ساختمان این شاهراه از لحاظ مقیاس عظیم خود تا آنزمان برای کشور ما سابقه نداشت، در امتداد این جادهٔ بزرگ ساختمانهای مختلف مسکونی جهت‌حفظ ومراقبت مجهز‌به کارگاه‌وگاراژ ومنابع‌آب‌وغیره بنا گردیده است.

در هرات و ساحل فراه رود دو هوتل بزرگ که هر یك مجهز به دستگاه های تولید نیروی برق، بخار کارخانه البسه شوئی، رستورانها و میدانهای سپورتی، حوض آببازی برای مسافرین استند، باطاقهای راحت ومتعدد هر یك به گنجایش پنجصد نفر مسافر اعمار گردیده است، این‌جادهٔ عظیم که‌در پیشرفت وترقی اقتصادی آیندهٔ سر تا سر افغانستان نقش بزرگی دارد، به انضمام تمام تأسیسات وساختمانها در امتداد آن که بمصرف مالی وامداد فنی بلا عوض کشور اتحاد شوروی تکمیل گردیده، به مردم افغانستان هدیه شده است. آنچه‌درین زمینه در خور یاد آوری و قابل اهمیت میباشد نقش ارزندهٔ کار گران و سازندگان افغانی در ساختمان این راه‌است که‌هم در جریان‌کار و هم در کورس های مخصوص، تخصص‌های مختلفی کسب کردند و در مدت کوتاهی تحت‌نظر متخصصین شوروی قریب هشت هزار نفرکارگر در ۵۸ رشته مختلف ازراننده انواع وسایل گرفته تاترا شکار متخصص،تعلیم و تربیت فنی دیدند.

اهمیت اقتصادی جادهٔ بزرگ موتر رو پلخمری -مزار -شبرغان و سهولت های را که این جاده پس ازاکمال‌برای‌مردم بوجود خواهدآورد و اکنون با استفاده از تجارب راه سازی در افغانستان با همکاری اتحاد شوروی دردست ساختمان است، همه میدانند. (باقیدارد)

دکارخانې جشن

د ښار په خلکو کښې دکار خانې دپرانیستلو دجشن خبرې‌خورې وې. هر چا به هر څه ویل او د جشن په باره کښې به‌یې‌خپل اوریدلې نوروته اورول.

ماشومانو به په ښوونځیو کښې، کارگرانو به په فابریکو کښې اوښځو به په کورونو کښې، د جشن په باره کښې مرکې کولې.

علي مراد حمال بیا تر ټولو دجشن په مرکو مین وو، څنگه به چه دجشن نوم واخیستل‌شو دده‌کوچنې سترگې به دپلن مخ په‌کاسه کې راوڅرخیدې دبیتې پوزې سوږمې به‌یې ورپیدې، پخپله کوسه ږیره به‌یې‌لاس راښکود او په مغرو رانه اندازبه یې وویل: «داجشن زموږ دی، اوزموږ داکار خانه در ولې ده.»

د دې وینا سره سم به علي مراد دخپلو لاسونو ورغوی چه داوښ‌دتلي په‌شان دکار له زوره کلك شوی او ښوی شوی وو، ملگرو ته وښودل او دا حرکت به یې په‌یوه فاتحانه خندا پای ته ور ساوه.

کله، کله به یې لا خپلې زړې ځولۍ ته چه لکه دغنې جاله په تارونو کښې را بنده وه، اشاره وکړه او وبه یې ویل: «مادا چکمن د همدې کار خانې په جوړولو کښې زوړ کړیدی.»

ځینې وخت به‌یې د خبرو په ترځ کښې ستونی ډک سیده او دکوچنیو سترگوپه‌تورومریو کې‌داوښکو کړۍ راپیدا شوې، داوخت به علي‌مراد ته د خپل زلمي زوی قنبر مرگ ورپه یاد شوی وو، قنبر په‌همدې کارخانه کښې تر واگون لاندې شو، علي مراد لا د اوښتي واگون تر درانه بارلاندې دقنبر زگیروی اوریدل او هغه وینې یې لا لیدلې چه دقنبر له خولې نه دده دخمتا په‌خرواسکټ رابهیدلې.

- اوه څومره ښه زوی مې وو ... څومره به یې زما خاطر ساته !.... یوه ورځ چه دخپلې مزدورۍ پنځه روپۍ خرڅې کړې وې، څومره مې وښکانځه، مگر دی بنده له حیانه حتی خپل سر را پورته نکړ، زما ترمخ یې یوه‌ورځ له‌خپلې ښځې سره زړه ورې خبرې ونکړې او زما له شرمه ئی یو ځل خپل ماشوم ته‌ناز ور نکړ.

اوه، زه څومره غریب او بې کسه یم!

زما قسمت څومره خواردی اودازه څومره بدمرغ اونامطلوب انسان یم! زه به دا پاتې عمر څنگه تیر ومه او د خپلې بد مرغۍ داستانونه به چاته وایم، دا کوچنی ماشوم به څوك لویوی او دا ځوانه نږور به په څه هیله صبرومه؟ قنبره، قنبره زویه! د خدای دپاره‌زه دې وبیږم!

تیر حوادث به د علي مراد په خاطر کښې را وگرزیدل او ورپسې به داوښکو سیلاب دده دنرۍ ږیرې له سپینو ویښتانو نه‌دده په‌شکیدلی گریوان را څور شو.

زړه به یې تش کړ، خو دده اوښکې به‌لکه‌دثور باران کم‌دوامه وې‌اوژر به دده په زړه کښې د نامیندۍ دتورو وریځو له شانه د هیلو زرین لمر را وخوت، مسکی به شوا و دا ساده جمله به یې له خولې را ووته: «که خدای کول په نیږدې وخت کښې به کار خانه چالا نه شي.»

کله به چه‌اله نورو مزدورانو سره مخامخ شو په ډیره سادگۍ کښې به یې دا زیری ور کاوه: «...زموږ او ستاسي ژوند به له دې کار خانې سره بالکل سم شي.»

ده‌دامطلب دکارخانې دښنسټ ایښودلو په وخت کښې دکار خانې خاوندنه اوریدلی وو او کلك باور یې پرې لاره، ده به داهم ویل چه دا کارخانه زموږ ده او گټه به یې پخپله موږ ته را ورسیږي. همدا هیله وه چه په علي مراد یې، سره له ټولو بد مرغیو دخپل زلمي قنبر مرگ زغملی وو.

دیکشنبې ورځ را ورسیده، د جشن ورځ‌او دمزدورانو دنیکمرغۍ ورځ(!) علي مراد د خپل ښایسته لمسي سترگې په رنجو کړې، خپله‌زنگ وهلې زړه بیاتې یې را وایسته او د ښایسته ماشوم دسر ویښتان یې دوتې په ځیر گرد وسکښنتل، دقنبر دواده د شپې گل سیب د سمال یې را ویوست او په سر یې ور وتاړه بیایې به غیږ کښې واخیست او د - کار خانې په لور رهي شو.

خدایه، لکه‌چه راباندې ناوخته شویده، گوره چه نقل یې لانه وی ویشلی! اوچت اوچت ته، خو د - ځوانۍ تگ یې نه وو پاتې، هلك یې دروند شوی‌وو اوساپې سوله.

ماشوم په ټوله لار کښې وخندل او له خوشالۍ نه یې د خپل نیکه په غیږ کښې ټوپونه وهل.

ځای ته را نیږدې شول، دکارخانې دننوتلو په لار دوه کناره وسله وال ژاندارم او پولیس ولاړ وو، هالته لرې دکار خانې په مینځ کښې دجشن رنگین بیرغونه رپیدل، د سرك په سینه باندې دگڼ ندیو موټرونو پرله پسې بهیر را روان‌وو د دروازې په خوله کښې نا آشنا وگړي دریدلي وو او دمیلمنو ټکټونه یې کتل.

-«خدایه دابه څوك‌وي!» علي‌مراد داسې‌پخوا هیڅکله‌دلته‌نه‌وو لیدلي. دهغو مزدورانو له جملې نه هیڅوك نه‌ښکاریدل چه داکار خانه‌یې جوړه کړې وه. نجاران، خټگران، مستریان حمالان حتی دریوران او کرین کاران هم‌نه‌لیدل کیده، دفابریکې ددروازې له خولې نه دانگړ یوه برخه څرگنده ښکاریدله، هلته ټول د خولیو او دریشیو خاوندان را ټول شوي وو، دجمعیت د خندې او شور آواز چه دلوډ سپیکرونو له‌آواز سره یوځای شوی وو تر عمومي سرکه پورې را رسیده.

علي مراد دروازې ته نیږدې شو خو د دروازې ساتونکو د هغه مخه ونیوه له، ده نامنونکې زاریو شروع کړې او د دروازې نظم ته‌یې صدمه ورسوله، د جنتي خلکو دمراسمو نزاکت، دیو بې ارزښته اوبي‌حیثیته سړي له خوا خراب شو، د دروازې دساتونکو حوصله یې تنگه کړه، سپاپانو ته اشاره وشوه، یوپرېړ تور بخن پولیس را منډه کړه او علي مراد یې داسې څپیړه ووهله چه لنگوټی یې یو گز له سره لرې گذارشو، بل پولیس دښا له خوا ووهه او علي مراد خوار کې پرمخې ولویده، ماشوم لمسی یې له غیږې په ځمکه پریووت اوسخته‌چیغه یې‌له خولې‌راووته. دبیدفاع‌اونامیند مزدور ژبه گونگه شوه او سترگې یې د اوښکو پردو پټې کړې.

هالته لرې د موټرو دپارك شاته شور ځوږ پورته شو، څو تنه مزدوران په منډه دسرك مخې ته را ووتل اوعلي مراد یې له‌خپل لمسي سره دپولیسو له ډلې او دتشریفاتو له سیمې نه ویوست. نندارچیان لـه ونو او دسیند دغاړې لـه جگ دیوال نه چه دفابریکې د مراسمو ننداری لپاره پرې ختلي وو راښکته شول او تر علي مراد را وڅرخیدل.

سهراب د مزدورانو کړی ماته کړه، را ننووت او په‌بیباکه اندازې وویل:

«کینه، دلته کینه، احمقه بوډا اتمامه ورځ به دې مزدوران غولول چه دا فابریکه دتاسي ده.

اوس پوه شوی چه دافابریکه د - چاده! که نه یې پوه شوی، یو ځل بیا ورشه چه پوره دې پوه کړي». ټولو مزدورانو وخندل.

علي مراد لـه غصې نه ډك سر را پورته کړ، کاته یې چه بد خولې اوبې پروا سهراب مخامخ ورته ولاړ دی، بې کمیسه برکې واسکټ او هماغه پخوانی پیوندی پرتوگ یې اوغوستي‌وو، دتورو سنیو پرتوگانښ یې تر زنگنو پورې را ځوړند او یو خیرن رنگه ټوکر یې تر غاړې راتاو کړی وو، لویه خوله، تنگې سترگې او غټه بیره ککرۍ، پولادي متې او بیباکه آمرانه وزه.

علي مراد وار د واره زړه ور او سر کش سهراب وپیژانده او په ډك ستوني یې دلومړي ځل لپـاره اعتراف وکړ:

- «تاریښتیا وویل!»

سهراب سخت و خندل او سمدلاسه یې دواسکټ له جیبه یو موټي خیرن توتـان را وایستل او دعلي مـراد لمسي ته یې په لمن کښې ور واچول او بیایې علي مراد ته وویل:

- وعده راکوی چه‌بیا به مزدوران نه غولوی!

- نه‌به‌یې غولوم، اوس پوه شوی یم.

سهراب وخندل او په داسې حال کښې چه د علي مراد یتیم لمسي یې پخپل څټ باندې سپور کړ وی ویل.

«ته یوازې دومره ویلای شې چه سهراب زما دلمسي خردي او بس»، ټولو کار گرانو په لوړه وخندل.

ورو سته سهراب په جدي لهجه علي مراد ته‌داخبره تکرار کړه: «دا کار گران هیڅکله مه غولوه، داسې لار ور وښیه چه دوی پخپله، خپله دنیا جوړه کاندی».

علي‌مراد مزدورانو ته مخ‌راواړاوه:

-«راځئ، راځئ زامنو دکار خانې‌د جشن له سیمې را لرې شو. دا کار خانه زموږ نده او داجشن نه د- مزدورانو لپاره ندی جوړ شوی».

سلیمان لائق

از (ص اول)

نگاهی به پلانهای اقتصادی...

تهیهٔ چرم و ده ها عامل‌ضروری دیگر موجود نباشد، اماعلی رغم آن در پلان پنجسال سوم افغانستان ارقام زیادی قیدگردیده است که افزایش بزرگی رادر تولیدات صنعتی و زراعتی‌ازسال اول تا اخیر پلان نشان میدهد، درحالیکه امکانات آن در اوضاع‌واحوال‌موجود ممکن نیست. مثلا در تولید شکر ۳۳٤ فیصد و در تولید روغن‌نباتی ۳۰۵ فیصد افزایش درسال‌اخیر پلان (۱۳۵۰) نسبت بسال اول آن (۱۳٤۵) پیشبینی گردیده است. حالانکه حقایق نشان میدهد که‌موادخام هردو نوع تولیدات طی اینمدت به این تناسب افزایش نخواهدیافت.

- یك‌اقتصادپلان شده تناسب صحیح بین قیمت ها و مزد ها را در نظر گرفته و آنرا طوری تنظیم میکند که احتیاجات مردم از ناحیهٔ مواد ضروری بطور روز افزونی تأمین گردد و سطح زندگی آنها ارتقاء نماید. کافی است بگوئیم که‌ازسال اول تااخیر پلان پنجسالهٔ دوم کلیه قیمت‌ها، بخصوص قیم موادارتزاقی از سه تا چهار مرتبه افزایش یافت درحالیکه در میزان مزدها و معاشات بخصوص دستمزد کار گران کدام افزودی قابل ملاحظه‌ئی بعمل نیامده است.

- اشتراك هرچه وسیعتر مردم در پیشبرد امور اقتصادی، تشویق کارگران و ایجاد فضای دموکراتیك در ساحهٔ کار و جامعه، اجرای موفقیت آمیز پلانهارا میسر میسازد. ولی در شرایط کنونی جامعهٔ ما مردم از فهم مسایل اقتصادی کشور و اشتراك فعال در آنها دور نگهداشته میشوند. شیوه های استبدادی کار در همه جا معمول بوده و فضای ساحهٔ کار و فعالیت اقتصادی عمداً اختناق آور گردیده است.

- ادارهٔ صحیح امور اقتصادی و بکار بردن پرنسیپ های آن صحیحاً درامر پلانگذاری یکی از ضرورت‌های عینی اقتصاد ملی متوازن وپلان شده میباشد واین امر انتخاب‌درست پرسونل کار آزموده و صادق را در رأس شعبات مختلف امور ادارهٔ اقتصادی ایجاب مینماید. ما درینجا سوالی را مطرح مینمائیم که ادارهٔ شعب و رشته های مختلف اقتصادی در افغانستان آیا بدست پرسونل صالح و مناسب سپرده شده است؟ پاسخ ساده است: اگر باشد نادر خواهد بود.

- در نظر داشتن روابط متقابل پدیده های متنوع اقتصادی و ایجاد هماهنگی بین آنها امری ضروری برای امور پلانگذاری بشمار میرود و اما در افغانستان تاکنون توجه لازم به اینموضوع مبذول نگردیده است. بهمین جهت یکی از عوامل بوجود آمدن سکتگی در کار تطبیق پلان‌های مطرح همین است، مثلا در پلانهای اول، دوم وبیشتر در پلان سوم قسمتي از سر مایه‌گذاری‌ها به سرمایه های داخلی محول گردیده است، در حالیکه از سوی دیگر پالیسی اقتصادی طوری

(ص٤)

محمد سلیم کارگر، نمایندهٔ کارگران‌فابریکه نساجی پلخمری بعد ازاعتصاب ۱۵ عقرب کار گران خلاف‌قانون توقیف گر دیده است.
(تفصیل خبر در شماره آینده)